

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق

۱۹ جنوری ۲۰۲۳



محمد محق

## مهندسی جامعه در نظام‌های ایدئولوژیک

اگر چه طالبان تنها نظام ایدئولوژیک جهان نیستند، اما بدوی‌ترین آن‌ها هستند. نظام‌های ایدئولوژیک نمی‌خواهند خود را با واقعیت‌ها انطباق دهند، بلکه می‌کوشند واقعیت‌ها را با خیالات خود منطبق کنند. آنان می‌خواهند شهروندان چنان‌که دل‌خواه حاکمان است ببینند، و همان‌گونه که آنان می‌پسندند رفتار کنند. این نظام‌ها همه توان خود را صرف جامعه‌ای مصنوعی برابر با هوس‌های حاکمان مستبد و خودکامه می‌کنند، بدون گذاشتن کوچک‌ترین وقعی به نیازهای شهروندان. طالبان همه عیوب نظام‌های ایدئولوژیک را دارند به اضافه بدویتی که می‌خواهند همه جامعه را در قالب آن بریزند.

نظام‌هایی که در دام ایدئولوژی گرفتار نیامده‌اند، فلسفه وجودی دولت را ارائه خدمات به شهروندان می‌دانند و یقین دارند که هر چه در خدمت به مردم و بهبود بخشیدن به زندگی‌شان موفق‌تر باشند به همان پیمانانه بخت تداوم حاکمیت‌شان بیش‌تر است. ارائه خدمات لزوماً ربطی به توانایی بسیار بالای اقتصادی یا نظامی ندارد، زیرا نمونه موفق نظام‌های رفاهی در دنیا نه دارندگان بم اتوم مانند پاکستان و کوریای شمالی‌اند و نه دارندگان ذخایر عظیم نفت و گاز، بلکه کشورهای اسکاندیناوی‌اند که نه اتوم دارند و نه نفت. چرا این کشورها بهترین نظام‌های رفاهی را دارند؟ برای این‌که در دام ایدئولوژی گرفتار نشده‌اند تا از دیدن واقعیت‌های زندگی عاجز باشند. اولویت این نظام‌ها محو فقر و بی‌سوادی، فراهم آوردن کار و سرپناه، ارائه خدمات صحتی و بهداشتی، بهبود سیستم حمل و نقل، و خدماتی مانند این‌هاست. برای درک چنین واقعیت‌هایی نه نیاز به هیچ تئوری‌پردازی فلسفی است و نه به ارائه شواهدی از متون دینی و مذهبی. لازم نیست برای این‌که شهروندان باسواد باشند آیت و حدیث بخوانید، و برای این‌که نان داشته باشند به مثال‌هایی از عصر سلف و ائمه متوسل شد و برای این‌که گرما و سرما نیازارشان در میان فتاوی مجتهدان هزار سال قبل بگردید. کافی است که عقل داشته باشید!

نظام‌های ایدئولوژیک مذهبی از دیدن واقعیت‌ها عاجز‌ترند، زیرا اوهام و خیالاتشان را ارزش‌های دینی می‌پندارند. این نظام‌ها به جای محورگرایی، کاهش بی‌کاری، همگانی ساختن سواد، مبارزه با بیماری‌ها و دیگر ضرورت‌های زندگی، به این می‌اندیشند که مردم چگونه لباس بپوشند، از چه ساز و آوازی خودداری کنند، رابطه مرد و زن در اجتماع چگونه محدود شود، مراسم مذهبی با چه ادا و اطواری به نمایش در آید و آنچه از نظر آن‌ها گناه به شمار می‌رود چگونه از جامعه محو گردد.

نظام‌های ایدئولوژیک در ذهن خود تصویری خیالی از جامعه ایده‌آل دارند، که با درک آنان از جهان هم‌ساز است و برای تحقق مصنوعی آن تیشه و ارّه به دست می‌گیرند تا سر و ته واقعیت را چنان بزنند که با اندازه و قواره مورد نظر آنان برابر شود. در این نظام‌ها، پولی که از منابع عمومی جمع‌آوری می‌شود تا مایه بهبود زندگی مردم باشد به محتسبان و شلاق به دستان داده می‌شود تا میر غضب‌های بیش‌تری را به جان مردم انداخته و زندگی را به کام آنان بیش‌تر زهر کنند، چنان‌که بخشی دیگر از این پول به جاسوسانی داده می‌شود که خبرچینی شهروندان را به دستگاه‌های استخباراتی بکنند. نظام‌های ایدئولوژیک در نهایت فرو می‌پاشند زیرا پایه کار خود را بر اوهام نهاده‌اند نه بر واقعیت‌ها، اما تا زمان فروپاشی‌شان زندگی را بر یک نسل و گاه چندین نسل تیره و تار می‌کنند. به گفته کارل پوپر، نظام‌های ایدئولوژیک به مردم وعده بهشت می‌دهند اما محصول کارشان جهنم است. افغانستان اکنون در قعر این جهنم ایدئولوژیک دست و پای می‌زند.